معرفت شماره 103 - تير 1385

بررسي جامعه شناختي الگوهاي وساطت در ازدواج

محمّداسلم جوادي

پيشگفتار

يكي از بنيادي ترين نهادهاي اجتماعي نهاد خانواده است. خانواده هسته اصلي حيات اجتماعي است. انسان ها غالباً در درون خانواده ها به دنيا مي آيند و در آنجا جامعه پذير1 خانواده ها يگان هاي كوچكي هستند كه به مثابه سلول ها، بافت ارگانيك حيات اجتماعي را تشكيل مي دهند. جوامع، هر چند بزرگ باشند، در نهايت به واحدهاي كوچكي قابل تحويلند كه خانواده ناميده مي شوند. به همين دليل، از منظر جامعه شناسي، نهاد خانواده در مقايسه با ساير نهادهاي اجتماعي از اهميت فوق العاده برخوردار است. اهميت اين موضوع تا آنجاست كه بخش قابل توجهي از موضوعات جامعه شناختي اختصاص به بحث از خانواده دارد و در درون اين علم گرايشي با عنوان «جامعه شناسي خانواده» به موضوعات مهمي در اين باب مي پردازد.

گستردگي و بنيادي بودن نهاد خانواده، آن را دايم در پيوند و تأثير و تأثر متقابل با ساير نهادها قرار داده است، به گونه اي كه از يك سو تغييرات در نهاد خانواده، بسياري از شبكه هاي روابط انساني را دچار تغيير مي كند و از سوي ديگر، تغييرات به وجود آمده در ساير نهادها و زمينه هاي اجتماعي مي تواند ساخت، الگوها، ارزش ها و هنجارهاي حاكم بر نهاد خانواده را عميقاً متحول نمايد. مطالعه در باب دگرديسي نظام خانوادگي و روابط موجود در آن زماني مي تواند از جامعيت روش شناختي برخوردار باشد كه تمامي متغيرهاي تاثيرگذار بر آن، از جمله ارتباط آن با ساير نهادهاي اجتماعي بررسي شود.

امروزه يكي از چالش هاي بسيار عمده فراروي توسعه جوامع انساني از هم پاشيدن شيرازه و بافت حيات خانوادگي است. بسط حيات صنعتي و صنعتي شدن محيط زيست انساني، نظام تقسيم كاري را به وجود آورده است كه بر اساس آن بيش از پيش تمايز ميان نقش ها و موقعيت هاي متفاوت مرد و زن از بين رفته است و در نتيجه سر درگمي نقشي3بيش از هر نهاد ديگر، دامنگير نهاد خانواده شده است. در گذشته خانواده مهم ترين كانون اجتماعي كردن افراد به شمار مي آمد. اما امروزه به دليل تعارض نقشي و ديگر چالش هايي كه زندگي صنعتي فراروي خانواده نهاده است، نقش خانواده در جامعه پذير كردن افراد، انتقال ذخيره دانش به نسل هاي بعدي و ايجاد پيوند نسلي بسيار كم رنگ و ناچيز شده است.

يكي از چالش هاي مهمي كه به طور بسيار جدي، نهاد خانواده را در عرصه روابط اجتماعي، دچار مشكل نموده، تحول، دگرگوني و تغييراتي است كه در نگرش ها، باورها، هنجارها، آداب و رسوم مربوط به ازدواج و همسرگزيني روي داده است. در پي اين تغييرات در نگرش ها، باورها و ارزش ها در سطح كلان، امروزه ازدواج به مثابه اساسي ترين فرايندي كه به شكل گيري حيات خانوادگي مي انجامد، دچار تغييرات بسياري شده است. از اين رو، پژوهش و تحقيق در عرصه روابط خانوادگي، همانند فرايند ازدواج يكي از كارهاي بنيادين در عرصه شناخت و بررسي تحولات و دگرگوني هاي اجتماعي است. با توجه به همين امر است كه مقاله حاضر يكي از چالش هاي فراروي ازدواج، يعني وساطت در ازدواج را براي بررسي برگزيده است. اين مقاله در پي پاسخ گويي به اين سؤال است: «چگونه تغييرات در سطح كلان اجتماعي، وساطت در ازدواج را دچار تغيير نموده است و اين تغييرات چه چالش هايي را فراروي وساطت در ازدواج قرار داده است؟ و از سوي ديگر، تغييرات در امر وساطت در ازدواج چه تأثيراتي بر ساير روابط موجود در عرصه ازدواج داشته است؟»

مفهوم شناسي وساطت

«وساطت» يكي از متداول ترين مفاهيم حيات اجتماعي است. اين مفهوم نه تنها در عرصه حيات اجتماعي، بلكه در علوم و ديگر قلمروهاي زندگي انساني نيز كاربرد فراواني دارد. از ديرباز يكي از مهم ترين بحث ها در دانش «منطق» بحث از «حد وسط» در كنار صغرا و كبراي قضايا و گزاره هاي استنتاجي بوده است. در فلسفه نيز علت هاي مياني و يا علل متوسطه يكي از مهم ترين دسته بندي در دانش فلسفه بوده كه طبق آن علت ها گاهي بدون واسطه بر معلول هاي خويش تأثيرگذار بوده و گاهي علت ها تأثيرات خويش را از طريق علت هاي واسطه بر معلول ها محقق مي سازند. در حيات اجتماعي نيز وساطت و ميانجي گري در بسياري از امور به ويژه در عرصه ايجاد دشمني و يا آشتي بسيار متداول است. درگيري ها، رويارويي ها، تنش ها و خصومت هاي اجتماعي چه در سطح كلان4 بين قبايل، طوايف و گروه ها و چه در سطح خرد6 ميان دو فرد و يا مجموعه اي از افراد، همواره از طريق وساطت و ميانجي گري به صلح و آشتي مي انجامد.

وساطت در مفهوم لغوي خويش از ريشه وسط است كه در مورد حد فاصل ميان دو چيز اطلاق مي گردد. اگر A و B و C را در يك چينش ترتيبي در نظر بگيريم و Aرا در مرحله اول، Bرا در مرحله دوم، C را در مرحله سوم قرار دهيم، حد فاصل ميان Aو Cيعني Bرا وسط مي ناميم. بنابراين، حد وسط عبارت است از حدي كه ميان دو حد (حد قبل از خودش و حد بعد از خودش) قرار مي گيرد. به اين ترتيب، وساطت كه مفهوم مصدري وسط است عبارت است از واقع شدن ميان دو چيز كه گاهي براي وصل كردن و گاهي براي فصل كردن ميان آن دو چيز قرار مي گيرد.

A,B,C

حد فاصل B = C,A

حد وسط = B

وسط و وساطت هر دو واژگاني عربي هستند كه در كاربرد فارسي نيز رايج شده اند. به لحاظ معنايي كاربرد واژه «وسط» در زبان عربي تفاوتي با كاربرد آن در زبان فارسي ندارد. در عربي وسط اين گونه تعريف مي شود: «وسط الشيء: مابين طرفيه»7 و در فارسي نيز «وساطت» به معناي ميانجي گري و شفاعت است و «وسط» چيزي است كه در ميان واقع شود.8

وساطت در ازدواج از ديدگاه ديني

در ديدگاه ديني وساطت بر دوگونه مورد اهتمام قرار گرفته است: اول در ضمن دسته اي از آيات و روايات كه به صورت عام بر ايجاد الفت، آشتي، همدلي و پيوند ميان دين داران و مؤمنان تأكيد دارد. دوم مستقيماً به وسيله رواياتي كه نفس وساطت در ازدواج را مورد توجه و تأكيد قرار داده است.

الف. وساطت به لحاظ ايجاد اخوت و آشتي

بسياري از مناسك و آيين هاي ديني سرشت اجتماعي دارند، به گونه اي كه تنها در قالب رفتار يك دست جمعي است كه تحقق مي يابند. به همين دليل، اديان همواره انسان ها را به اتحاد و يكپارچگي فرا مي خوانند و در تاريخ جوامع نيز پيوسته موجبات همبستگي اجتماعي را فراهم نموده اند.

تحقيقات جامعه شناسي در مورد اديان نشان داده است كه نقش دين در ايجاد همبستگي بسيار اساسي و بنيادين است. برخي از جامعه شناسان دين عقيده دارند كه اديان از طريق انجام مناسك جمعي و احكام اجتماعي باعث تهييج احساس همبستگي در افراد گرديده و بدين طريق همواره بنياد شالوده هاي اجتماعي را استحكام مي بخشند.9

از نظر دوركيم، آنچه كه موجبات همبستگي اجتماعي را فراهم مي سازد اصول و احكام اخلاقي است. اقتدار اخلاقي موجب چيرگي جامعه بر فرد مي گردد. ولي آنچه كه در وراي اقتدار اخلاقي نشسته، دين است. دين پشتوانه نيرومند احكام و ارزش هاي اخلاقي به شمار مي آيد. پس در حقيقت دين است كه باعث مي شود، شيرازه زندگي اجتماعي هر روز محكم تر گرديده و از استحكام بيشتري برخوردار گردد.10

البته اين ديدگاه از منظر انديشمندان اسلامي نيز پذيرفته است. منتها آنچه را كه آنها دين مي نامند، دين به مفهوم عام آن نيست، بلكه مراد سلسله اي از اديان توحيدي است كه سرانجام به اسلام ختم مي شود. شهيد مطهري معتقد است كه اسلام به مثابه يك ايدئولوژي هم حيات اجتماعي انسان ها را جهت مي دهد و هم موجبات وحدت و همبستگي آنان را از طريق ايجاد آرمان مشترك و تعيين ملاك خوبي و بدي در رفتار اجتماعي آنها، فراهم مي سازد.11

به عقيده علّامه طباطبائي، تنها راهي كه اجتماع انساني را از تشتت و تفرقه نجات مي دهد، دين است; چرا كه دين براي رفع و حل اختلاف جوامع بشري آمده و يكي از رسالت هاي اصيل دين ايجاد وحدت و همبستگي اجتماعي است. قوانين و نظام هاي حقوقي ديگر نيز در پي تقليد و الگوبرداري از دين به وجود آمده اند.12

به نظر مي رسد آنچه كه از ديدگاه جامعه شناسان ديني و انديشمندان اسلامي، در مورد نقش دين در ايجاد و حفظ همبستگي اجتماعي، به طور كلي بيان شد در مورد اسلام نيز صادق است. نگاهي به باورداشت ها و مناسك عملي اسلام نشان مي دهد كه اسلام يكي از وحدت بخش ترين اديان جهان است. اين دين همان گونه كه در مباني اعتقادي خويش اصل اعتقاد به توحيد و يگانگي مبدأ آفرينش را به عنوان يك اصل محوري قرار داده است، در عرصه حيات اجتماعي نيز بر روي حفظ وحدت، همبستگي و انسجام نظام اجتماعي تأكيد مي كند. قرآن يكي از اهداف مهم بعثت انبيا را رفع اختلافات بيان مي كند: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيَما اخْتَلَفُواْ فِيهِ) (بقره: 213); مردم (در آغاز) يك دسته بودند. (و تضادي در ميان آنها وجود نداشت. به تدريج جوامع و طبقات پديد آمد و اختلافات و تضادهايي در ميان آنان پيدا شد و در اين حال) خداوند پيامبران را برانگيخت تا مردم را بشارت و بيم دهند و كتاب آسماني كه به حق دعوت مي كرد، با آنها نازل كرد، تا در ميان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوري كند.

بنابراين، اسلام به مثابه يكي از اديان وحدت بخش همه فرايندها و اموري را كه به استحكام شالوده هاي حيات اجتماعي منتهي شود، مورد تأكيد و توجه قرار داده است. از اين رو، طبيعي است كه اسلام فرايند ازدواج را به مثابه اساسي ترين فرايندي كه بقا و انسجام اجتماعي را نگه مي دارد، مورد تأكيد قرار دهد. اسلام پيوسته از نفاق، دو رويي و آنچه كه موجبات شكنندگي وفاق اجتماعي مي گردد، با نفرت ياد كرده است و در برابر انسان ها را به همدلي، همنوايي و يكپارچگي اجتماعي فرا خوانده است.

عنايت به آنچه بيان شد نشان مي دهد، اسلام وساطت در اموري را كه منجر به وحدت و يكدلي اجتماعي مي شود بسيار مورد تأكيد و اهتمام قرار داده است. بخشي از متون ديني از ايجاد نفاق و چندپارگي ميان مسلمانان و انسان ها نهي نموده و بخشي ديگر انسان ها را به ايجاد آشتي و الفت ميان مؤمنان و ابناء بشر ترغيب و تشويق نموده است. در اينجا براي رعايت اختصار تنها به يك روايت در اين باب اكتفا مي شود: «... و من مشي في صلح بين اثنين صلي الله عليه و ملائكته حتي يرجع و أعطي أجر ليلة القدر و من مشي في قطيعة بين اثنين كان له من الوزر بقدر ما لمن أصلح

بين اثنين من الاجر مكتوب عليه لعنة الله حتي يدخل جهنم فيضاعف له العذاب ...»;13 هر كسي كه براي ايجاد مصالحه و آشتي ميان دو نفر گام بردارد و تا زماني كه در آن راه گام بر مي دارد، درود خداوند متوجه او مي گردد تا آنگاه كه بر مي گردد و پاداشي هم سنگ پاداش شب قدر براي او در نظر گرفته مي شود. و هر كسي كه براي ايجاد جدايي بين دو نفر گام بردارد، به همان اندازه كه براي ايجادكننده صلح و آشتي ثواب در نظر گرفته مي شود، براي او نيز گناه نوشته مي شود; به گونه اي كه لعنت خداوند بر او جاري است تا اينكه وارد جهنم مي شود و به عذاب دوچندان گرفتار مي آيد.

توجه روايت به كاركرد مثبت و منفي وساطت در امور اجتماعي نشان مي دهد كه اسلام نه تنها نقش ها و كاركردهاي ايجابي وساطت را مورد توجه قرار داده، بلكه به كاركردهاي منفي آن نيز عنايت داشته است. بدين سان، آموزه هايي كه ايجاد انقطاع و فاصله در روابط ميان دو نفر يا مجموعه اي از انسان ها را مورد نكوهش قرار مي دهد; بالملازمه بر اهميت و بنيادي بودن همبستگي اجتماعي از نگاه اسلام، تأكيد مي كند.

ب. اهميت وساطت در ازدواج

همان گونه كه اشاره شد، خانواده هسته اي ترين نهاد اجتماعي است. قوام، حيات اجتماعي و تداوم زندگي جمعي انسان ها با بود و نبود خانواده گره خورده است. قوام جامعه به مثابه زندگي گروهي انسان ها در قالب ارزش ها و هنجارهاي مشترك، با شكل گيري نظام خانوادگي پي ريزي مي شود و در ادامه نيز اين نظام خانواده است كه با كارويژه توليدمثل، جمعيت انساني به مثابه اساسي ترين يگان هاي شكل گيري حيات جمعي و گروهي را غرض تداوم و بقاي حيات اجتماعي فراهم مي كند. در اين ميان، وساطت در ازدواج، يكي از اساسي ترين اقسام وساطت در جهت ايجاد همدلي و همبستگي اجتماعي به شمار است. از اين رو، طبيعي است كه اسلام براي ازدواج به مثابه يكي از مهم ترين مجاري شكل گيري حيات اجتماعي اهميت زيادي قايل شود. متون ديني در اين زمينه، كمتر نفس «وساطت در ازدواج» را به صورت مستقيم مورد توجه قرار داده اند، اما در عين حال متوني كه بر اهميت نفس ازدواج و شكل گيري حيات خانوادگي تكيه نموده اند خود به نحو التزامي از اهميت و جايگاه وساطت در ازدواج نيز سخن گفته اند. در اين زمينه، روايات بسياري وجود دارد و شايد همين امر باعث شده كه در متون روايي به نفس وساطت در ازدواج، بجز در موارد معدود، اشاره مستقيم صورت نگيرد.

از نظر آموزه هاي اسلام، ازدواج از اهميت بسيار برخوردار است و آيات و روايات فراواني در باب اهميت و تأكيد به انجام امر ازدواج وارد شده است. در حديث معروفي رسول گرامي اسلام(صلي الله عليه وآله)كسي را كه از تن دادن به ازدواج سرباز مي زند به مثابه كسي دانسته كه از سنّت پيامبر بيرون شده است.14در جاي ديگر مي فرمايد: فردي كه ازدواج مي كند، دست كم، نصف ايمان خودش را بيمه مي كند.15 و در روايت ديگر آمده است كه حتي دو ثلث ايمان خودش را بيمه مي كند. از اين رو، به لحاظ ديني ازدواج بسيار مورد اهتمام بوده است. از آنجا كه وساطت در ازدواج نه تنها زمينه ساز شكل گيري حيات اجتماعي مي گردد، بلكه موجب همنوايي ميان دو فرد مسلمان و ديندار مي شود، اسلام بر وساطت در ازدواج تكيه و تأكيد فراوان نموده است. امام صادق(عليه السلام) از حضرت رسول اكرم(صلي الله عليه وآله) روايت مي كند: «و مَنْ زَوَّجَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ امْرَأَةً يَأْنَسُ بِهَا وَ تَشُدُّ عَضُدَهُ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهَا زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِالْعِينِ وَ آنَسَهُ بِمَنْ أَحَبَّ مِنَ الصِّدِّيقِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَ إِخْوَانِهِ وَ آنَسَهُمْ بِه...»16

در اين حديث، حضرت مأنوسيت متقابل شخص واسط و ميانجي با صديقين، اهل بيت پيامبر دوستان و برادارن ديني را علاوه بر تزويج با حورالعين در بهشت، به عنوان پيامد و پاداش وساطت و ميانجي گري در امر ازدواج برمي شمارد.

امام علي(عليه السلام) نيز شفاعت فردي را كه زمينه ازدواج دو نفر و شكل گيري خانواده را فراهم مي كند، به مثابه بهترين و برترين شفاعت ها، از سوي اهل بيت مي شمارد: «وَ أَفْضَلِ الشَّفَاعَاتِ مَنْ تَشَفَّعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاح حَتَّي يَجْمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُمَا.»17

بررسي الگوي وساطت در ازدواج

حيات اجتماعي بشر آكنده از تكثر و گوناگوني است. گوناگوني هاي جغرافيايي، نژادي، رنگي، قومي، ديني و فرهنگي زندگي جمعي بشر را لبريز از نمونه ها و الگوهاي متفاوت رفتاري ساخته است. اين تفاوت ها، در مواردي، گاه در حدي است كه يافتن قدر مشترك و عام ميان جوامع بشري مشكل مي نمايد. بنابراين، از آنجا كه جوامع گوناگون از فرهنگ ها و تمدن هاي مختلف برخوردارند، الگوهاي رفتاري در ميان آنان نيز فرق مي كند.

هر جامعه به تناسب ارزش ها، باورها، سنّت ها، آداب و رسوم خويش الگوهاي رفتاري خاصي را به وجود مي آورد. به همين دليل، الگوي وساطت در ازدواج به عنوان يك رفتار فرهنگي در هر جامعه اي از الگوي خاصي برخوردار است. بنابراين، به جاي الگوي واحد مي توان از الگوهاي متعدد و گوناگون وساطت در ازدواج صحبت نمود. عمده ترين دسته بندي كه در باب الگوهاي وساطت در ازدواج مي توان مطرح كرد تقسيم بندي الگوهاي وساطت در چارچوب جوامع مدرن و سنتي است.

1. وساطت در جوامع سنّتي

جامعه سنّتي جامعه بسته است. بنابراين، اغلب كنش هاي متقابل و تعاملات اجتماعي با تفكيك جنسيت در شبكه اي از روابط بسته صورت مي گيرد. افراد از يك جنس مجاز به ايجاد ارتباط با جنس ديگر به صورت روزمره و يك رفتار متعارف اجتماعي نيستند، بلكه همواره خطوط قرمز و مرزهاي معين از معاملات و رفتارهاي متقابل اجتماعي ميان زن و مرد وجود دارد كه تخطّي و عبور از آنها زيان ها و هزينه هاي زيادي براي هريك از افراد هنجار شكن به دنبال دارد. از سوي ديگر، در الگوي سنتي نظام خانوادگي، خانواده مدل ساده شده اي از ساخت اجتماعي به شمار مي رود كه بر آن روح جمع گرايي شديدي سيطره دارد و همه تصميم هاي خانوادگي بايد مبتني بر مشاوره و اجماع فاميلي گرفته شود. بنابراين، نقش افراد در تصميم گيري ها و به ويژه در امور مهمي همانند امور ناموسي و ايجاد پيوند خويشاوندي به شدت تقليل پيدا مي كند. در جامعه سنتي ازدواج در ابتدا بر اساس معيارهاي روابط جنسي تعريف مي گردد، از اين رو، اقدام براي ازدواج بايد به شيوه بسيار لطيف، توأم با شئونات و آداب اجتماعي صورت گيرد. به همين دليل، خواستگاري مردان از زنان فرايند خاصي را پشت سر مي گذارد و امر ازدواج بعد از پشت سر گذاشتن سلسله متعددي از آداب و رسوم است كه تسهيل و محقق مي شود.

وساطت در جوامع سنتي يكي از رايج ترين شكل همسريابي است; چه اينكه وساطت و اقدام از طريق كانال هاي ميانجي يكي از بهترين شگردهاي رفتاري است كه مي تواند خواستگاري مردان از زنان را تلطيف و قابل پذيرش نمايد. در عين اينكه، عوامل ميانجي در بسياري موارد، تنها مجراي دسترسي به اطلاعات و معلومات موردنظر در مورد خانواده طرف مقابل است.

ويژگي عام وساطت در جامعه سنتي اين است كه غالباً امر وساطت يك كار فردي تلقّي مي گردد و به همين دليل، افراد همواره به صورت فردي، تعريف نشده و سليقه اي اقدام به وساطت مي كنند. به همين خاطر، در الگوي سنتي وساطت، نمي توان از كانون ها و مراكز وساطت يا همسريابي صحبت كرد بلكه بيشتر از افراد واسط و ميانجي سخن به ميان مي آيد. به بيان ديگر، وساطت در جامعه سنتي يك امر رايج، عام و در عين حال، يك امر انفرادي است. افراد، وساطت در ازدواج را يك امر انسان دوستانه تلقّي كرده و بر مبناي همكاري و همنوايي اجتماعي اقدام به وساطت مي كنند. آنها هيچ گاه به وساطت به مثابه يك حرفه و شغل نگاه نمي كنند و هرگز انتظار ندارند كه از طريق ميانجي واقع شدن در ازدواج امرار معاش نمايند. بر همين اساس است كه براي واسطه ها غالباً هيچ دستمزد و يا حق الزحمه اي در نظر گرفته نمي شود و در برابر، در چارچوب يك رسم سنتي از قبيل اهداي هدايا، از تلاش هاي فرد واسط تقدير و سپاسگزاري به عمل مي آيد.

نكته مهم ديگري كه در بسياري از اشكال سنتي وساطت وجود دارد اين است كه افراد واسط در اغلب موارد بيشتر از سوي خانواده داماد و خواستگار براي انجام وساطت بسيج مي شوند. از اين رو، واسطه ها نيز در بسياري از موارد تنها به نكته هايي توجه و اهتمام ميورزند كه براي خانواده داماد مهم است. همين امر گاهي به يك نكته منفي تبديل مي شود; چه اينكه واسطه ها در برخي موارد به دليل دلبستگي شديدي كه به خانواده داماد ممكن است داشته باشند، تلاش مي كنند كه در صورت مطلوب بودن خانواده دختر به هر شكلي آنها را به انجام ازدواج قانع سازند و در اين زمينه گاهي از فريب، نيرنگ و كلاه گذاري نيز بهره مي برند.

هر چند به لحاظ قلمرو، وساطت در جامعه سنتي به نسبت روستا و شهر فرق مي كند، اما در هر صورت از قلمرو بسيار محدودي برخوردار است; زيرا افراد واسط تنها زماني اقدام به انجام وساطت مي كنند كه شناخت نسبتاً كاملي از دو طرف ازدواج داشته باشند. در روستا، وساطت دامنه گسترده تري را فرا مي گيرد; چه اينكه در روستا آشنايي افراد تنها به خويشاوندان و وابستگان فاميلي محدود نمي شود، بلكه به طور غالب تمامي اهالي روستا، به دليل ارتباطات و تعاملات مداوم، به خوبي از تمامي سكنه روستا شناخت و آگاهي دارند. از اين رو، در روستاها وساطت از حدود خانوادگي و فاميلي فراتر مي رود و اهالي روستا را نيز در بر مي گيرد. در حالي كه در شهر، وساطت سنتي محدوده بسيار كمتري را در بر مي گيرد; چه اينكه در زندگي شهري، روابط و تعاملات در خارج از چارچوب فاميلي و خانوادگي به ندرت صورت مي گيرد و به همين دليل اطلاعات و شناخت افراد در مورد خانواده و ويژگي هاي خانوادگي ديگران بسيار اندك و غير قابل اعتنا است. از اين رو، غالباً وساطت در حد فاميل و وابستگان فاميلي و خويشاوندي محدود مي شود و در كمتر موارد فراتر از اين محدوده صورت مي گيرد.

2. وساطت در جوامع غيرسنّتي

همان گونه كه بيان شد، وساطت در ازدواج بخشي از روابط خويشاوندي و خانوادگي است كه در چارچوب رفتارهاي خانوادگي قابل تحليل و بررسي مي باشد. بنابراين، تغيير در الگوي وساطت در ازدواج همبستگي بسيار نزديكي با تغييرات در ساير بخش هاي خانواده و اجتماع دارد. الگوي سنتي وساطت كاملا متناظر با الگوي سنتي بافت خانوادگي و اجتماعي است كه طبق آن كانون همه نظام خانوادگي والدين و پدر و مادر به شمار مي آيد. الگوي غير سنتي وساطت نيز تابع فرم، قالب و شكل حيات خانوادگي است كه مطابق آن خانواده بسياري از كاركردها و نقش هاي خويش از جمله جامعه پذير كردن افراد را از دست داده است. از اين رو، بديهي است كه وساطت، به مثابه فرايندي كه سر انجام موجبات شكل گيري حيات خانوادگي را فراهم مي سازد نيز دستخوش تغييرات گردد.

يكي از ويژگي هاي عام جوامع غير سنتي باز بودن روابط و تعاملات اجتماعي بر اساس جنسيت است. پيچيده شدن حيات اجتماعي، شهر نشيني، بالا رفتن ميزان سواد و تحصيلات زنان و سرانجام صنعتي شدن زندگي باعث شده است كه بسياري از خطوط قرمز و مرزبندي هاي رفتاري و معاملاتي ميان زنان و مردان، در هم شكسته و از بين رود. امروزه در جوامع توسعه يافته18ميزان سهم گيري زنان در امور و فعاليت هاي بيرون از نهاد خانواده، به شدت در حال افزايش است. مسلماً اين امر زمينه شكل گيري ارتباط چهره به چهره20 را ميان افرادي داراي جنسيت متفاوت و خواهان ازدواج، در بيرون از خانواده تسهيل مي كند. نظام آموزشي پسر ـ دختر21 در دانشگاه ها، وارد شدن زنان در عرصه روابط توليد صنعتي، عدم تفكيك جنسي در احراز بسياري از موقعيت هاي كاري در درون ساخت هاي اقتصادي، سياسي، فرهنگي و اجتماعي و سرانجام نگرش جديد نسبت به زنان، جايگاه و موقعيت آنان در سطوح و لايه هاي مختلف حيات اجتماعي، همه و همه بسترهايي اند كه زمينه ارتباط گيري متقابل و شناخت دوسويه ميان افراد از جنس مخالف را فراهم مي كنند. به همين دليل، امروزه نقش تعيين كننده خانواده ها، به ويژه والدين در فرايند ازدواج پسر و دختر در موارد فراواني تا حد يك مشاور تقليل يافته است. در غالب موارد پسران و دختران اند كه در مورد ازدواج تصميم مي گيرند و سرانجام بعد از حصول توافق ميان پسر و دختر، والدين هر كدام در جريان ازدواج قرار مي گيرند. از اين رو، الگوي وساطت، ساز و كار وساطت و ميانگين فراواني وساطت در جوامع مدرن و غير سنتي دستخوش تغييرات بنيادين و زيادي شده است.

هر چند ميانگين فراواني وساطت در جامعه غير سنتي پايين تر از ميانگين فراواني وساطت در جوامع سنتي است، اما در عين حال، وساطت در ازدواج، در جامعه غيرسنتي، از حد يك امر گهگاهي به يك حرفه و پيشه اجتماعي ارتقا يافته است. ارگان ها و سازمان ها به شكل تعريف شده و اداري در عرصه همسريابي و همسرگزيني22 فعاليت مي كنند. از اين رو، وساطت در جوامع صنعتي و غير سنتي غالباً ويژگي جمعي و گروهي دارد و كمتر به صورت انفرادي و فردي انجام مي شود.

به لحاظ قلمرو، وساطت غير سنتي از دامنه گسترده تري برخوردار است. كانون هاي وساطت، طيف وسيعي از افراد و اقشار مختلف اجتماعي آماده ازدواج را شناسايي مي كنند و به اين طريق افراد را در انجام ازدواج ياري و مشاوره مي دهند. از اين رو، وساطت از گستره پيوندهاي فاميلي، خويشاوندي و دوستي فراتر رفته و پهنه به مراتب گسترده تري را در برمي گيرد. در اين ميان نقش ابزارهاي فناوري جديد از قبيل رسانه هاي گروهي، رايانه و ساير فناوري اطلاعات بسيار مهم و اساسي است. از آنجا كه ساز و كار وساطت در جوامع غير سنتي از شيوه ها و اشكال مختلف برخوردار است، بهتر است اشكال و كانون هاي وساطت در جوامع مدرن را بررسي نماييم.

كانون هاي وساطت در جوامع غير سنتي

الف. دانشگاه

يكي از مراكز و كانون هاي مهم همسريابي در جوامع غير سنتي دانشگاه23 است. نظام دانشگاهي در بسياري از كشورها به لحاظ جنسي تفكيك نشده است و دانشجويان دختر و پسر در كنار هم به تحصيلات دانشگاهي خويش ادامه مي دهند. امروزه در جمهوري اسلامي ايران نيز، دانشگاه به يك كانون بسيار مهم ازدواج تبديل شده است. ازدواج هاي دانشگاهي هر روزه در حال گسترش است. پيش بيني مي شود در آينده اين امر به يك الگوي ساختمند، نهادي و پذيرفته شده تبديل شود.

از آنجا كه افراد در دانشگاه از روابط نسبتاً منطقي تري برخوردارند، توافق و اقدام دو طرف براي ازدواج و شكل دهي حيات خانوادگي، با آسيب كمتري مواجه است. آشنايي دراز مدت در دوره تحصيل در هر مقطع تحصيلات دانشگاهي، موجب مي شود دو طرف شناختي نسبي از تمايلات، عواطف و دلبستگي هاي همديگر پيدا نمايند. اين امر كمك مي كند تا نسبتاً با شناخت بهتري اقدام به ازدواج نمايند.

نقش دانشگاه به مثابه يك كانون وساطت در دو قالب بررسي مي شود; قالب رسمي و قالب غير رسمي. در قالب رسمي دانشگاه به مثابه يك نهاد رسماً اقدام به وساطت در ازدواج مي كند. به بيان ديگر، در قالب رسمي، دانشگاه وساطت در ايجاد پيوند خانوادگي ميان دانشجويان را به مثابه يك راهبرد در جهت حل مشكلات دانشجويان، در فهرست كارهاي خويش قرار مي دهد. به اين ترتيب، دانشگاه پيوسته دانشجويان را به ازدواج تشويق كرده و در برابر هر فقره ازدواج دانشجويي تسهيلات خاصي را براي افراد اقدام كننده، هم از ناحيه آموزشي و پژوهشي و هم در خصوص امكانات رفاهي در نظر مي گيرد.

اما در قالب غير رسمي دانشگاه هيچ نقش مستقيمي در ايجاد تسهيلات ازدواج و پيوند زناشويي ميان دانشجويان ندارد. دانشگاه تنها به مثابه يك كانوني مطرح است كه در آنجا افراد با طرف مقابل خويش آشنايي حاصل مي كنند و بر اساس آن به سوي ازدواج كشانيده مي شوند. در بسياري از جوامع، دانشگاه به مثابه يك واسطه غيررسمي در جهت فراهم آوردن مقدمات ازدواج مطرح است.

ب. كانون هاي تجاري

ادواردز و داويد (. Edwards & David H. Demo)24در كتاب ازدواج و خانواده در حال گذار25 چند دسته ازكانون هاي تجاري وساطت و همسريابي را بيان مي كند:

1. جفت يابي رايانه اي:26 در ميان جوامع غربي استفاده از بانك اطلاعات رايانه اي يكي از رايج ترين شيوه هاي وساطت در ازدواج است. بنگاه هاي رايانه اي وساطت، در ابتدا افراد و اعضايي را از اقشار و سطوح مختلف اجتماعي به عضويت مي گيرند و سپس معلومات و اطلاعات مربوط به اين افراد را در يك شبكه رايانه اي منتقل مي كنند كه از طريق آن افراد به صورت خودكار با فهرست كردن تمايلات، خواسته ها، انتظارات و ويژگي هاي مطلوب طرف مقابل، نمودار تمامي افراد واجد شرايط را مشاهده مي كنند. در صورتي كه فرد موردنظر، يكي از آنان را براي ازدواج مناسب تشخيص دهد بنگاه رايانه اي وساطت، اقدام به آشناسازي دو طرف، از

طريق فراهم آوردن زمينه ملاقات27 آنها و ارائه مشاوره هاي لازم در زمينه ازدواج، مي كند. البته گاهي بنگاه رايانه اي خود نيز از طريق مقايسه شرايط و ويژگي هاي دو طرف، براي كساني كه از شرايط و ويژگي مشابهي برخوردارند، پيشنهاد ازدواج مي دهد.

2. مصاحبه ويديويي:28 مصاحبه ويديويي نيز يكي از روش هاي ديگري است كه امروزه براي انجام وساطت در ازدواج مورد استفاده است. در اين روش، در ضمن درج مشخصات و ويژگي هاي لازم، از افراد مصاحبه ويديويي به عمل مي آيد و بدين ترتيب، افراد با در نظرداشت شرايط و ويژگي هاي طرف مقابل از طريق مشاهده كليپ هاي ويديويي مي توانند اقدام به همسر گزيني نمايند. البته امروزه با وارد شدن فناوري رايانه در عرصه وساطت در ازدواج، استفاده از اين روش به تدريج اهميت و جايگاه خود را از دست داده است.

3. دفاتر ازدواج:29 دفاتر ازدواج يكي از كانون هاي ديگري است كه مقدمات ازدواج را از طريق انجام وساطت فراهم مي كند. افراد علاقه مند به ازدواج با مراجعه به دفاتر ازدواج ويژگي هاي خود را در اختيار آنها قرار مي دهند و آنها در صورت پيدا كردن فرد مناسب اقدام به وساطت مي كنند. اين شيوه از وساطت در اغلب موارد تحت نظارت كليسا صورت مي گيرد. بنابراين، يكي از مطمئن ترين راه هاي همسرگزيني به شمار مي رود.

4. باشگاه هاي افراد مجرد و متمايل به ازدواج:30 باشگاه افراد مجرد و يا افراد متمايل به ازدواج عبارت است از كانوني كه در آن افراد مجرد و علاقه مند به ازدواج گردهم آورده مي شوند تا از طريق ارتباط چهره به چهره و ملاقات31حضوري اقدام به ازدواج نمايند. اين كانون ها اغلب به امكانات و تسهيلات بسيار بالا از قبيل استخر شنا، پارك، پيست بازي اسكي و رستوران مجهزند. افراد با وارد شدن در اين كانون در ضمن ارتباط چهره به چهره با طرف مقابل، سليقه، تمايلات و علايق يكديگر را از طريق گردش در بخش هاي مختلف اين كانون به آزمايش مي گذارند.

5. آگهي: درج آگهي32 ازدواج در برخي از مراكز وساطت يكي از شيوه هاي ديگر وساطت در ازدواج است. اين نوع از وساطت تنها در حد درج آگهي مطرح است و بيشتر مقدمات ازدواج توسط خود افراد چيده مي شود. در اين شيوه معمول ترين كانون وساطت، رسانه هاي جمعي، بخصوص رسانه هاي كاغذي و رايانه اي است. افراد با درج آگهي در اين مراكز، شرايط و آمادگي خويش را براي ازدواج اعلام مي كنند. باز كردن صفحه و يا بخشي در روزنامه ها و مجلات تحت عنوان «دوست قلمي»33 به نوعي به وساطت از اين نوع برمي گردد.

6. باشگاه هاي اجتماعي:34 كانون ديگري كه به نام كانون وساطت در ازدواج مطرح است، باشگاه هاي اجتماعي است. باشگاه هاي اجتماعي محلي است كه افراد مجرد و متمايل به ازدواج در آن رفت و آمد دارند. باشگاه تنها زمينه هاي ارتباط گيري آنها را فراهم مي سازد بي آنكه مستقيماً باشگاه در انجام و يا اجراي پيوند ازدواج دخالت نمايد.

7. مجتمع مسكوني مجردان:35 مجتمع مجردان نيز يكي ديگر از كانون هاي وساطت در ازدواج به شمار مي آيد. اين مجتمع ها فعاليتي نظير فعاليت باشگاه هاي اجتماعي دارند با اين تفاوت كه افراد مدتي را در اين مجتمع مسكوني براي يافتن همسر و يا شوهر در آنجا سپري مي كنند.

جمع بندي

وساطت و همسريابي همانند ساير پديده هاي اجتماعي دايم در حال دگرگوني و تغيير است. هر روزه به موازات تنوع و گستردگي حيات اجتماعي انسان ها و تسهيل ارتباطات ميان انساني در سطوح مختلف، شيوه ها و الگوهاي همسريابي جديدتري به وجود مي آيد. الگوهاي قديمي رفته رفته كارآيي و كارآمدي خويش را از دست مي دهند و الگوهاي نوين، مطابق با اقتضائات جديد جايگزين الگوها و مدل هاي قديمي تر مي گردند. مي توان پيش بيني كرد كه در آينده شيوه ها و الگوهاي جديد وساطت و همسرگزيني جايگزين الگوهاي موجود گردند. آنچه كه در اين ميان براي جامعه ديني اهميت دارد توجه به ارزش هاي متعالي ديني در شكل گيري شيوه هاي همسريابي و وساطت در ازدواج است. برخي از شيوه هاي موجود همسرگزيني و وساطت، تنها معطوف به تسهيل ارتباطات و فراهم آوري مقدمات شكل گيري پيوند زناشويي ميان زن و مرد شكل گرفته اند، بي آنكه ابعاد معنوي، اخلاقي، انساني و ديني در آنها ملحوظ شده باشد. اين نكته از نگاه ديني نه تنها به حل مشكل ازدواج كمك نمي كند، بلكه پيامدهاي زيانبار اخلاقي و اجتماعي فراواني ديگري نيز براي جامعه به دنبال دارد. در يك جامعه ديني، الگوهاي رفتاري همواره ملهم از آموزه هاي ديني است. بنابراين، در صورتي كه يك الگوي رفتاري، از قبيل الگوي وساطت در ازدواج و همسريابي، در تعارض با آموزه هاي ديني قرار داشته باشد، نبايد زمينه ظهور و انتشار پيدا نمايد. از سوي ديگر، بايد همواره در تلاش بود تا الگوهاي ملهم از آموزه هاي ديني را با استفاده از امكانات پيشرفته در جوامع مدرن روزآمد ساخت، به نحوي كه بتواند به مثابه الگوهاي بديل و كارآمد در كنار الگوهاي متعارف موجود در جوامع مدرن مطرح باشد. به دليل تغييرات بنيادي در قالب و ساخت حيات اجتماعي، الگوي سنتي، بجز در موارد معدودي ناكارآمد شده و نمي تواند، حوزه هاي متكثر و متنوع حيات اجتماعي را تحت پوشش قرار دهد. از سوي ديگر، نبود ساز و كار وساطت و ميانجي گري مناسب در امر ازدواج مي تواند منجر به پيچيده شدن فرايند پيوند زناشويي ميان افراد خواهان ازدواج گردد و بدين سان، به مثابه يك متغير تقويت كننده، به افزايش مفاسد اجتماعي و تشديد وضعيت رو به وخامت روابط نامشروع و پيوندهاي ناسالم جنسي در سطح جامعه كمك نمايد.

بنابراين، درك اهميت «وساطت در امر ازدواج» و روزآمدسازي الگوهاي آن براي بقاي همبستگي اجتماعي و حفظ نظام خانوادگي بر اساس ارزش ها و هنجارهاي ديني بسيار حياتي و بنيادين است. تا زماني كه ساز و كار مناسب براي شكل گيري پيوند مشروع ميان زن و مرد وجود نداشته باشد، مع الاسف شاهد بروز بسياري روابط نامشروع خواهيم بود; چه اينكه حيات در هم تنيده شده اجتماعي زمينه تعاملات اجتماعي ميان زن و مرد را بيش از حد ساده ساخته و هر روزه حوزه هاي به مراتب گسترده تري در حوزه تعاملات ايشان در حال گسترش است. از اين رو، بسط ساز و كار وساطت و روزآمدسازي الگوهاي آن، در كنار اصلاح باورها، ارزش ها و هنجارهاي غلط در باب ازدواج مؤثرترين راهي است، كه در كنار حفظ و پايايي نهاد خانواده مي تواند در كاهش و جلوگيري از روابط نامشروع جنسي نيز كمك نمايد.

پى نوشت ها

1. Socialization.

2ـ نظريه انداموارگى كه جامعه و بخش هاى آن را همانند موجود زنده مى داند. اين نظريه مفاهيم اساسى خود را از زيست شناسى به عاريه گرفته است. در اين باره مى توانيد به كتاب هايى كه در زمينه نظريه هاى جامعه شناسى نگارش شده مراجعه نماييد.

3. Role Confuse.

4. Macro level.

5. Meso level.

6. Micro level.

7ـ ابن منظور، لسان العرب، ج 7، ص 426 / ابى عبدالرحمن الخليل بن احمد الفراهيدى، العين، تحقيق مهدى المظفرى و ابراهيم السامرائى، قم، دارالحجره، 1405 ق، ج 7، ص 279.

8ـ محمّد معين، فرهنگ معين، چ اول، تهران، معين، 1380، يك جلدى.

9ـ ملكم هميلتون، جامعه شناسى دين، ترجمه محسن ثلاثى، ص 170.

10ـ همان، ص 169ـ180.

11ـ مرتضى مطهرى، مقدمه اى بر جهان بينى اسلامى، چ جديد، قم، انتشارات اسلامى، 1364، ص 41ـ53.

12ـ سيد محمّدحسين طباطبائى، الميزان، بيروت، لبنان، موسسه الاعلمى للمطبوعات، ج 2، ص 132ـ134.

13ـ شيخ صدوق، ثواب الاعمال، قم، دار الرضى للنشر، 1406، ص 288.

14ـ «النكاح من سنتى فمن رغب عنه فقد رغب عن سنتى» (محدّث نورى، مستدرك الوسايل، قم، مؤسسة آل البيت، 1408 ق، ج 14، ص 153.)

15ـ «من تزوَّجَ احرزَ نصف دينه و فى حديث الآخر فليتق اللّه فى النصف الآخر او الباقى» (محمّدبن يعقوب كلينى، اصول كافى، تهران، دارالكتب الاسلاميه، 1365 ش، ج 5، ص 329.

16ـ محدث نورى، پيشين، ج 14، ص 174.

17ـ همان، ج 14، ص 173.

18. Developed Societies.

19. Developing Societies.

20. Face-to-face Communication.

21. Co-education.

22. Coupling.

23. College.

24. PP 13-18.

25. Marriage and Family in transition.

26. Computer matchups.

27. Dating.

28. Video Interviewing.

29. Matrimonial Bureaus.

30. Lonely heart clubs.

31. Meeting.

32. Advertisement.

33. Pen - Friend.

34. Social Clubs.

35. Singles' Complexes.